

امید به ایستادگی بر اصول

مجتبی حسین‌نخانی (نماد)

● گرمای سوزان مردامه‌ها رفته‌رفته به اوج خود نزدیک می‌شود. گرمایی که شاید در شرایط آب و هوایی ایران حدتی کمتر در مقایسه با فضای سیاسی آن دارد. رئیس‌جمهور منتخب در حال جمع‌بندی برای گزینش همکاران خود در دولت تدبیر و امید است. همکارانی که همساز و هم‌اوا با کلید روحانی قفل‌های وعده‌داده‌شده را باز کنند. کمیته‌ها و کارگروه‌هایی تشکیل شده‌اند؛ از افراد همراه روزهای انتخابات و احتمالاً باری‌دهندگان دولت در چهارسال آینده جناح‌های مختلف سیاسی در حال رایزنی‌های پیدا و پنهان برای راهپایی به دولت تدبیر و امیدند، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل کمتر از بقیه نکاو می‌کنند، شاید به‌خاطر اینکه به نتیجه مطمئن‌تر از بقیه می‌باشند. عده زیادی سعی می‌کنند کلیدی‌ترین جمله منتخب کلید بدست، در اولین همایش انتخاباتی‌اش را بلائثر کنند. همایشی که توسط حامیان جوان دکتر حسن روحانی در ۱۱ خردادماه در حسینیه جماران برگزار شد. جمله کلیدی‌ای که دکتر حسن روحانی خطاب به دولت و طیف وسیع اصولگرایانی که در این هشت‌سال همراه دولت بودند گفت: «هر گلی که در این هشت‌سال بر سر این مردم زده‌اید، دیگر بس است» بخش زیادی از مخاطبان آن جمله کلیدی رئیس‌جمهورمنتخب حالا بیش‌تر از همه حامیان اصلی او بر دکتر روحانی فشار وارد می‌کنند تا وزرای خود را تحمیل کنند طیفی از آنها حتی فراموش کرده‌اند که کلیدپادهای مشخصی در انتخابات داشته‌اند که در کسب آرای اکثریت مردم ناکام مانده‌اند. اسم‌های بسیاری که در کنار نام وزار تخله‌های مختلف بارها و بارها تکرار می‌شوند که علاوه بر فشار بر رئیس‌جمهور منتخب اثر دیگری نیز دارد و آن ناامیدکردن مردمی است که به واسطه شعارهای اصلاحی و اعتدالگرایی دکتر روحانی و حمایت‌های استوار آقایان هاشمی و خاتمی به او رای داده‌اند. در کوچه و خیابان می‌شنوی که با دهان به دهان گشتن نام‌های مختلف مردم می‌برسند آیا کلیدپدای دیگری منتخب مردم شده است که این افراد قرار است وزیر شوند. اما آنچه به‌عنوان خصوصیت بارز رئیس‌جمهور روحانی مطرح است، ایستادگی وی بر اصولی است که به واسطه آن اصول و برنامه‌ها و حمایت‌ها، مردم به او اعتماد کرده‌اند. روحانی، به گفته خود وی در همایش تقدیر از اعضای ستادهایش در سراسر کشور، حفظه خوبی دارد، مردی سیاستمدار است و از نسخه تجویزی و مدیران همراه دولتی که قرار بوده، مه‌روز باشد، هیچ رضایتی ندارد. همه این خصوصیات رئیس‌جمهور منتخب است که حامیان او را در انتخابات دلگرم‌تر از قبل می‌کنندکه مرد تدبیر و امید با کلید تدبیر از گرمای سوزان مرداد عبور کند.

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

سولانا: با روحانی می‌توان به توافق رسید



فرنگیس بیات

یک ماهی می‌شود که برای گفت‌وگو با «خاویرسولانا»، سیاستمدار و دبیر کل پیشین ناتو دست به «ایمیل» شده‌ایم. گفت‌وگو با کمیسرعالی روابط خارجی اتحادیه اروپا – پیش از خانم اشتون – در مقایسه با بسیاری از سیاستمداران داخلی آسان‌تر است. درخواست ایمیل ما از «ماریا مارین»، منشی سولانا این بود که در قالب یک قرار تلفنی با او گفت‌وگو کنیم. خانم «مارین» با توضیح اینکه سولانا برنامه فشرده‌ای برای سفر دارد، پیشنهاد کرد تا در خواست گفت‌وگو را به ماه آینده موکول کنیم. از چند روز پیش و با افزایش احتمال سفر نزدیک سولانا برای شرکت در مراسم تحلیف، خانم مارین با ارسال نامه‌ای به «شرق» اطلاع داد که سولانا عازم تهران است و برای یک روزنامه‌نگار مقیم تهران چه فرصتی بهتر از این. آخرین مکاتبه ایمیلی با سولانا به هماهنگی یک قرار حضوری منتهی شد، سولانا بلافاصله اعلام کرد در هتل آزادی اقامت دارد و بعد از ظهر دیروز پیش از دیدار با علی لاریجانی در «لابی» هتل پذیرایمان خواهد بود. «لابی» هتل فرصتی برای گفت‌وگو با دبیرکل پیشین «ناتو» است. سولانا ۷۱ ساله بی‌تکلف و خارج از قواعد مرسوم دیپلماتیک پذیرایمان می‌شود. در بیان نظر آتش «دقیق»، «مسالم‌تجو» و البته «پرانرژی» است و آداب ایرانیان را به خوبی می‌شناسد؛ با دستی بر سینه ادای احترام می‌کند، آنطور که می‌گوید به فرهنگ و تمدن ایران و ایرانیان علاقه‌مند است. «دقیق» و «خوشبین» و ویژگی سیاستمدار کهنه‌کار اسپانیایی است که حالا برای شرکت در مراسم تحلیف «حسن روحانی» به ایران آمده. با کت و شلوار کتان‌ی در بعدازظهر تابستانی ۱۲مرداد، با طمأنینه در فضای باز هتل آزادی مشغول قدم‌زدن است و بدون شک به فردای روابط دیپلماتیک ایران و جهان می‌اندیشد. گفت‌وگو با سولانا در فرصت کوتاه باقیمانده تا دیدار او با رئیس مجلس، معطوف به چند محور می‌شود، سولانا تأکید دارد که رای شهروندان ایرانی به حسن روحانی به‌عنوان نمادی از رای به کاندیدای «میان‌ه‌رو» و «معتدل»، درس‌های زیادی به او آموخته. سولانا همچنین به فرصت اندک پیش‌روی ایران و ۱+۵ اشاره دارد و اینکه دو طرف باید موضوع را جدی بگیرند.

آقای سولانا نخستین سوال را با توجه به فضای به وجودآمده از فردای انتخابات ایران شروع می‌کنم. فضای جدیدی شکل گرفته و این روزها بسیار می‌شنویم که سال ۲۰۱۳ سال تعیین‌کننده‌ای برای حل نهایی پرونده هسته‌ای ایران خواهد بود. فضا را چگونه می‌بینید؟

قطعاً باید بگویم که امسال سال مهمی خواهد بود. از مدت‌ها پیش ما مشغول مذاکره هستیم. تقریباً ۱۱ سال‌ی هست که مشغول گفت‌وگو هستیم اما به نظر سال پیش‌رو از آنها، پیچیده‌تر خواهد بود. فرآیند انتخابات در ایران این روند را پیچیده‌تر کرده است. انتخاب روحانی دوره جدیدی خواهد بود. هر دو طرف باید مزایای این شرایط جدید را دریابند و من باور دارم که امکان یک توافق و راحل دیپلماتیک وجود دارد. راحل دیپلماتیک به معنای دستیابی به آنچه ایران می‌خواهد و آنچه گروه مذاکره‌کننده به‌دنبال آن است، قدر می‌کنم از این جنبه تیم جدید مذاکره و خود رئیس‌جمهور برای رسیدن

به چنین توافقی بسیار مهم است. همان‌طور که می‌دانید من دیگر مسوولیت و قدرت مستقیمی در پرونده هسته‌ای ندارم، اما به‌طورجدی درخواست می‌کنم که این فرصت را جدی بگیرید. ما زمانی طولانی در اختیار نخواهیم داشت. نه ۵+۱ وقت زیادی دارد و نه ایران بنابراین بهترین گزینه این است که هر دو طرف موضوع را جدی بگیرند.

ایرانی‌ها با انتخاب روحانی نشان دادند حتی در سخت‌ترین شرایط فشار بین‌المللی به گزینهای اعتدال‌گرا و میانه‌رو رای تمایل دارند. آیا انتخاب رویه مسالم‌ت‌جو از سوی ایرانیان، برای غربی‌ها پیامی ندارد؟ قطعاً دارد. شخصاً باید بگویم که از این انتخابات درس‌های زیادی آموختم. مباحث انتخابات ایران را هر روز دنبال می‌کردم. از پیگیری متن مناظره‌های تلویزیونی گرفته تا دیگر اخبار، واقعا می‌دیدم که چگونه بحث‌ها آزادانه در یکی از مناظره‌ها چرخش داشت. این برای ما بسیار مهم بود. نتیجه داشته باشد.

وزن طرف اروپایی و آمریکایی را در پرونده هسته‌ای چگونه ارزیابی می‌کنید، به نظر می‌رسد که دو راهبرد در این پرونده قابل شناسایی باشند. رویکرد و رفتار اروپایی‌ها به نظر مسالم‌ت‌جوینانه‌تر و رویکرد آمریکایی‌ها به نظر استیلاجویانه‌تر و سخت‌گیرانه‌تر است. چقدر با این دو حرکتی که توصیف کردم، موافق هستید؟ نه، نه. اصلاً اینطور نیست، بگذارید بسیار روشن در این مورد حرف بزنم. درست است که امروز در آمریکا «اوباما» را داریم و در اروپا نخست‌وزیرهایی که احتمالاً شما هم آنها را می‌شناسید، اما نباید از گفتن این نکته غافل شوم که امروز فاصله اروپا و آمریکا بسیار ناچیز است. شاید بعضی از سیاستمداران اروپایی امروز در این مورد نسبت به دولت آمریکا مواضع مناسب‌تری گرفته باشند. اما تلاش برای تفکیک و تقسیم مواضع اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها سر بر پرونده هسته‌ای و به طور کلی مذاکره‌کنندگان جهانی را درست نمی‌دلم. آنها در این مورد در کنار هم هستند، حتی باید گفت که چینی‌ها و روس‌ها هم در ۵+۱ در یک جبهه قرار دارند. به نظر من نباید چنین خوانشی از مواضع متفاوت اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها ارایه داد. به هر حال برای اینکه به توافقی برسیم باید همه با هم مذاکره کنند، شما یا ما، با آمریکایی‌ها و در کل اگر توافقی صورت بگیرد، این توافق، یک توافق اروپایی، آمریکایی، روسی و چینی است و صرفاً محدود به یک قدرت و کشور خاص نمی‌شود.

البته من با توجه به آخرین تلاش کنگره آمریکا در تصویب لایحه تشدید تحریم‌ها در چهارشنبه گذشته و نشانه‌های مثبتی که از سیاستمداران اروپایی در این اواخر دیده شد، این سوال را مطرح کردم.

درست است. اما شما می‌دانید که نظام سیاسی در آمریکا جدا ساختار پیچیده‌ای دارد. سنا یکصد عضو دارد و فلان گرایش در آن غلبه دارد، در مجلس نمایندگان تعداد متفاوتی هستند و گرایش سیاسی متفاوتی پیش می‌رود. اما مسایل دیپلماتیک دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. مهم این است که مسایل دیپلماتیک درجهان دیپلماتیک با رویه‌های دیپلماتیک دنبال شود. به هر حال ما به‌دنبال جهان چندقطبی با چندجانبه‌گرایی هستیم. برای این وضعیت، موقعیت جدید اقتصادی آن هم چندقطبی، یا چندجانبه‌گرایی سیاسی جست‌وجومی‌شود.

در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به هر حال تهران پذیرفت تا به شکل موقت غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. اما هیچ پیشنهاد قابل توجهی از سوی غرب ارایه نشد. این مساله خود به مستندی برای مخالفان هرگونه توافق با غرب تبدیل شده، اینکه آنها مدام تأکید دارند، همکاری با غرب هیچ نتیجه‌ای ندارد.

می‌دانم درست می‌گویید. دقیقاً به‌خاطر دارم که آن روزها مذاکرات ما در چه شرایطی قرار داشت. بحث پروتکل، پایبندی ایران به مقررات و همه اینها مطرح بود. اما با تغییر مسوولان در ایران روند مذاکرات سخت و سخت‌تر شد. امیدوارم که از فرصت به‌وجودآمده استفاده کنیم. حسن روحانی در ایران، از سویی و باراک اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا از سوی دیگر و نیز اراده‌ای که برای تغییر وضعیت کنونی وجود دارد، همگی باید مغتنم شمرده شوند. این در واقع توصیه من به همه طرف‌های مذاکره‌کننده است.

با این توصیف‌ها و با توجه به سابقه‌ای که در روابط



فرنگیس بیات

دیپلماتیک دو طرف وجود دارد، آیا می‌توان برای حل این مساله امیدوار بود؟ شاید بهتر این باشد که بگوییم، آیا ضمانتی وجود دارد؟ بدون شک باید امید، را برای حل مساله، زنده نگه داشت. البته امید، امری نیست که از آسمان به ناگهان زمین بیفتد. امیدوار بودن به معنای این است که باید کار کرد. امیدواری هم به کار کردن نیاز دارد. در مورد ضمانت نیاز ماست که این ضمانت رسیدن به توافق را هموار می‌کند. وقتی ما نیاز داریم که به توافق برسیم باید کار کنیم.

انتخاب حسن روحانی به‌عنوان چهره‌ای جدید و از نظر شما قابل اعتماد چقدر می‌تواند به حل مساله هسته‌ای کمک کند؟ از روحانی و نقش جدید او در نظام چه تصویری دارید؟

درمورد چنین ارزیابی‌ای تنها می‌توانم نظر شخص خودم را با شما درمیان بگذارم. دکتر روحانی مرد توانایی است، ذهن روشنی دارد و سیاستمدار قابل اعتمادی است، بدون شک می‌توان به او اعتماد کرد.

اگر شناسن توافق بر سر مساله هسته‌ای را از دست بدهیم، در عمل موقعیت سیاستمداران میانه‌رو تضعیف می‌شود. روحانی یکی از اینهاست. از دست رفتن فرصت توافق را چطور ارزیابی می‌کنید؟ جدا باید از پیش آمدن چنین موقعیتی جلوگیری کنیم. بله می‌پذیرم که از دست‌دادن این فرصت تضعیف موقعیت بخشی از مذاکره‌کننده‌ها خواهد بود. باید این پرسش را مطرح کنیم که اگر موقعیت «الف» پیش بیاید، نتیجه این خواهد شد و اگر موقعیت «ب» پیش بیاید نتیجه چیز دیگری خواهد بود. وضعیت برای هر دو طرف خطر است. ممکن است، فرصت دیگری هم داشته باشیم، این فرصت برای دو طرف وجود دارد. برای همه طرف‌های مذاکره‌کننده، این توافقی است که برای چینی‌ها، روس‌ها، آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها مهم است و البته این توافق هسته‌ای تنها توافقی میان ایران و آمریکا یا میان ایران و اروپا نخواهد بود و توافقی جامع‌الاطراف است. رسیدن به مصالحه باید سطحی از هنر نه را به طرف‌ها تحمیل کند.

شما مذاکرات طولانی در دوره‌ای که علی لاریجانی مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای بود را با طرف ایرانی پیش می‌بردید، اما مهم‌ترین مانع رسیدن به توافق در آن دوره واقعا چه بود؟

ببینید دلم نمی‌خواهد دوباره به تاریخ برگردم. تاریخ، دیگر، تاریخ‌شد است. اما فکر کردم به لحظه رسیدن به توافق بسیار نزدیک هستیم، اما خب در آن دوره توافق حاصل نشد. در آن دوره بسیار به دستیابی به توافقیامه امیدوار بودم. ولادیمیر پوتین به تهران آمده بود و من هم آن موقع در تهران اقامت داشتم. در مجموع رفت و آمدها برای رسیدن به توافق زیاد بود، اما به هر حال به توافق نرسیدیم.

اگر همه روندها را خوشبینانه و رویه جلو فرض کنیم، چقدر برای رسیدن به یک توافق زمان نیاز داریم؟ باید دو شکل از مذاکرات را برای خود ترسیم کنیم. رسیدن به توافق یک نکته است و پیش‌بردن مذاکرات، نکته دیگری است. باید زمان بگذاریم. امیدوارم که در این مسیر به درستی حرکت کنیم. مرحله دیگر مرحله نهایی کردن مذاکرات است. امیدوارم که حرکت ما به یک توافق نهایی ختم شود.

انگیزه‌تان از سفر به ایران و شرکت در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور منتخب ایران چیست؟ می‌دانید من پیش از این سفرهای متعددی به ایران داشتم. سفرهای اینجا و آنجا در ایران بسیار زیاد بوده اما از همه اینها که بگذریم، من ایران را دوست دارم. با سیاستمداران متعدد ایرانی برخورد، مباحثه و مذاکره داشتم. با آقای هاشمی رفسنجانی، دکتر علی اکبر ولایتی، سیدمحمد خاتمی، حتی در خارج از ایران هم در تماس بودهام. ایران را می‌شناسم. نمی‌گویم در مورد ایران همه چیز را می‌دانم یا ایران را کامل می‌شناسم اما ایران را دوست دارم. سرزمین زیبایی است. من ایران را تحسین می‌کنم. زفرآ کشور بسیار مهمی است. به همین خاطر تصمیم شخص من بوده که بیایم و در این مراسم شرکت کنم.

تغییر

سرمقاله: «دیگر تمام شد»: جواد دلیری تاریخ سیاست ایران زمین بار دیگر ساعت ۱۷ امروز رقم می‌خورد. محمود احمدی‌نژاد با تمام عملکردهای خوب و بدش به تاریخ می‌پیوندد و حسن روحانی جای او می‌آید. محمود احمدی‌نژاد پیشوای گریز از مفاهیم مدرن هم بود، در ادبیات او واژگانی چون دموکراسی، تحزب، آزادی جایی نداشت. چنین است که او دموکراسی را تهوع‌آور می‌خواند. ابایی ندارد در دولتش دانشگاهیان سستاره‌دار شوند و دانشجویان منتقد و استنادن معترض اخراج مطبوعات وابسته خوانده و نهادهای مدنی به هیچ انگارده شوند. نامی از جمهوری اسلامی نبرد و تا مدت‌ها دولت اسلامی را بر زبان جاری کند. تاریخ سیاست ایران زمین یار دیگر ساعت ۱۷ امروز رقم می‌خورد. آمدن و رفتن احمدی‌نژاد برای ایران زمین دیگر قصه‌ای تاریخی شد. محمود احمدی‌نژاد با تمام عملکردهای خوب و بدش به تاریخ می‌پیوندد. چه خوب چه بد چه بخوایم و چه نخوایم شاد باشیم یا اندوهگین امروز احمدی‌نژاد را باید بدرقه کنیم. اما قضاوت درباره او هشت سال ریاست‌جمهوری‌اش را به تاریخ بسپاریم که تاریخ قاضی خوبی است. از امروز نگاهمان به آینده باشد، گذشته هر چه بود تمام شد. در گذشته نمایی که چهار یا هشت سال دیگر چنین روزی پایان دولت روحانی است، همراه و منتقد او باشیم تا قصه دولت روحانی، قصه‌ای دلنشین باشد.

جمهوری اسلامی

مشایی: رئیس «دفتر رئیس‌جمهور دوره نهم و دهم» دولت احمدی‌نژاد در روز آخر هم نشان داد کاری به کسی ندارد و با تمام انتقادات کار خود را می‌کند و اکنون دفتر رئیس‌جمهور سابق، باغوان شیک‌تر «دفتر رئیس‌جمهور دوره نهم و دهم» هم سربرگش را زده و هم مشایی برای معلون آن حکم صادر کرده است! به گزارش خبرنگار آینده، روز پنجشنبه اسفندیار رحیم‌مشایی در جمع خبرنگاران گفت در دفتر رئیس‌جمهور سابق ادامه کار می‌دهد، ولی هم‌زمان مدعی شد که از روند شکل‌گیری و محل استقرار آن بی‌خبر است. این اظهارات دوگانه مشایی در حالی است که اسناد موجود نشان می‌دهد وی از جزئیات این اقدام هم‌باخیر است و ازجمله هفتم مردامه‌ها جاری، برای مجتبی سروش‌پور، مدیرسابق تشریفات ریاست‌جمهوری به‌عنوان رئیس امور پشتیبانی دفتر رئیس‌جمهور دوره نهم و دهم حکم صادر کرده و از بقای در خواست‌کردن برای این سمت جدید، پست سازمانی ۱۹۰۱ را اختصاص دهد. نکته جالب‌توجه دیگر در این حکم، آنکه مشایی از سربرگ جدید و اختصاصی «دفتر رئیس‌جمهور دوره نهم و دهم» استفاده کرده است! دفتر رئیس‌جمهور دوره نهم و دهم در حوالی میدان ونک تهران در حال تجهیز است.

سازت

سرمقاله: «تنش‌های سیاسی آفت آموزش و پرورش» آقای دکتر نجفی رسماً اعلام کرده که قرار است به‌عنوان وزیر آموزش‌وپرورش به مجلس پیشنهاد شود... واقعیت آن است که دکتر نجفی بیش از آنکه یک معلم یا یک شخصیت فرهنگی باشد، یک شخصیت کاملاً سیاسی است و حضور فعال ایشان در انتخابات سال ۸۸ و همراهی با آقای کروبی، دلیل روشنی بر این گفته است. علاوه بر آن طی این سال‌ها، ایشان مستمرا با تشکل‌هایی که به‌دلیل تحریک معلمان به اعتصاب یا به‌دلیل اقداماتشان در فتنه ۸۸، غیرقانونی اعلام شدند، ارتباط داشته است و طبیعی است که این ارتباط در دوران وزارت ایشان نیز تقویت خواهد شد و این نگرانی وجود دارد که بار دیگر آموزش‌وپرورش صحنه کشمکش‌های سیاسی گردد. آنچه این نگرانی را تقویت می‌کند ارایه طریق‌های برخی سرمدمداران شکست‌خورده جریان فتنه است که پیام می‌دهند برای دستیابی به قدرت باید از مدارس شروع کنیم.

ایران

یادداشت: «شکوه آخرین روز»: غلامحسین الهام فردا، نیمروز دیگر از آخرین فرصت دوره هشت‌ساله باقی است. حتماً این نیمروز نیز با کار و فعالیت ویژه توام است و احمدی‌نژاد دوره هشت‌ساله را با کار ختم خواهد کرد. چنان‌که پیش از تنفیذ نیز با کار آغاز کرد. به پروژه نظنن سرر زد و روزهای اول، پروژه‌های عسلیوه را دید و قبل‌از هر سفر دیگری در مهر ۸۴، رنگ مدرسه را در بم به صدا درآورد. فردا آرام و باشکوه و با وحدت، دولت چرخش خواهد کرد و شاید فردا احمدی‌نژاد با فراغت بیشتری در نارمک افطار را با خانواده باشد که در خاطره‌ها ماندگار شد و عشق او به امام‌عصر (عج) مهم‌تر و موتور محرک او بود. اگر از خدا بخواهیم که او این توفیق را در حیات خود بیابد که مستقیماً همراه رهبر خود امام‌خمنه‌ای در محضر امام‌عصر (عج) خدمتگزار باشد، به‌نظرم با دعایی شایسته‌تر او را بدرقه کردایم و او این شایستگی را بحق دارد. هرچند برخی این دعا را نیز برنتابند. دست خداوند به همراه مردی بی‌اعا باشد که پیوسته با جماعت بود که بدالله‌مع‌الجماعه.

کیست

سرمقاله: «رهنمای جامع آزادسازی قدس»: سعدالله زارعی نظریه امام برای آزادسازی فلسطین، نظریه‌ای جامع است و درمیان همه فرق و مذاهب اسلامی پذیرفته شده است و از این رو می‌توان از آن به‌عنوان «نظریه جامع آزادسازی فلسطین» حرف زد و به مطالبه عمومی جهان اسلام تبدیل کرد این مسوولیتی است که همه دستگاه‌های مرتبط با حوزه سیاست خارجی کشور بر دوش دارند. امری که تا حد زیادی مورد غفلت قرار گرفته است.